

یکی را می‌شناسم برای دوست و استادم تقی متقی

کسی را می‌شناسم ، شعرهایش

به شیرینی چو آواز قناریست

میان سینه‌اش انگار رودی

همیشه پر ز شعر ناب جاریست

کنار ساحل این رود جاری

نهال کودکی را می‌توان کاشت

همیشه می‌توان از رود شعرش

برای تشنگی یک کاسه برداشت

میان شعرهایش کودکانه

زمین و آسمان را می‌سراید

چو بلبل شعرهای کودکی را

میان باغ گلها می‌سراید

یحیی علوی فرد